**انگلیس پس از سوئز**

**وودرووایت**

**مترجم : عامری، علی محمد**

در کودکی بدین هنجار برآورده شدم که بریتانیا در گیتی محتشم‏ترین کشورها است. روزگاری که در مدرسه درس میخواندم هیچکس به جد این دعوی را منکر نمیشد.سه یک نقشهء گیتی،به علامت مالک رقابی انگلیس،رنگ سرخ داشت.

با وجود آنکه گاه‏گاه گاندی روزه میگرفت و به کارهای بی‏آزار دست میزد،سروری بریتانیا در هندوستان بی‏دردسر بود.در سال 1930،برحسب قانون،اختیارات حاکمان استانهای هند فزونی‏ یافت و چنان مینمود که حزب کنگره هم به خرسندی با حکام همکاری میکرد.

بورمهء پر آفتاب،آرام و شاد بود.هیچکس در«هنک کانگ»یا«مالایا»سنگی به موزه‏ یا کیکی به تنبان بریتانیا نمی‏افکند.کانادا،استرالیا،افریقای جنوبی و زلاند جدید خوش بودند که‏ پی‏رو بریتانیا باشند.شک نداشتند که بریتانیا معظم‏ترین کشور جهان است.

پس از نخستین جنگ بزرگ،امریکا به اتکاء اینکه بریتانیا صلح عالم را حفظ خواهد کرد و در سایهء قدرت کشتی‏هایش کناره‏های اقیانوس اطلس را از آفات مصون خواهد داشت خانه‏نشین شد.

بی‏گمان همه‏کس میدانست که صنعت امریکا شتابان پیش میرفت اما هیچکس حدس نمیزد که نفوذ او به اندک مدت عالمگیر خواهد گشت.آلمان،تنها رقیب آتی انگلیس،تازه به‏شدت کوفته‏ شده و روسیه بهم بر کنده بود.روسیه فقط آن‏قدر توانایی داشت که بار خاطر گردد اما قدرت‏ مداخله در مشی سیاست عالم نداشت.چین در خاور دور،مزاحم محسوب نمیگشت و از جانب ژاپن‏ هم باد خطری نمیوزد.

رایت انگلیس خوش میلرزید.هرآنکس که تابعیت نامعلوم داشت تبعیت انگلیس را بر دیگر کشورها برتری مینهاد.در امریکا اگر رغبتی به جانب کشورهای خارج پیدا می‏آمد بیشتر متوجه‏ بریتانیا بود.بریتانیا در آن کشور فراوان نفوذ داشت.اگر در میان ملل،مهمی نازک پیش آمد میکرد محال مینمود که امریکا خلاف رای انگلیس را پی‏جوید.

خاورمیانه آرام خفته

در خاورمیانه بریتانیا مهتری میکرد.کشورها و دولتهای عربی را که پس از جنگ 1918 خود تراشیده بود،هنوز به سپاس فراوان به هر حکم او گردن می‏نهادند و از اشارت او در نمی‏گذشتند. دیگر کشورهای عرب بخواب نمی‏دیدند که وقتی مخالف میل بریتانیا گام بردارند.

وطن یهودان یعنی فلسطین،که انگلیس در آن متمکن بود،اسباب دردسر شده بود.عرب‏ باور نمیداشت که بریتانیا اجازه دهد که کشورهای یهود،جداگانه،به‏وجود آید.یهودان هم خوب‏ میدانستند که در سایهء قدرت انگلیس در فلسطین جای سرنهادن دارند.

در آن ایام هیچ فکر نمیکردیم که افادات و خدمات بریتانیا به عالم از چه سنخ بوده است.همین‏ قدر کافی بود بدانیم بریتانیا بر در پاها فرمان‏روایی دارد و جهانیان ازین بابت میبایست خشنود باشند.

اندیشه‏های من دربارهء بریتانیا ازین قبیل بود تا از دانشگاه اکسفورد برخاستم و به دنیایی‏ روی آوردم که هیتلر به فتح سراسر اروپا و بریتانیا نزدیک میشد.این احتمال فتح و غلبه نخستین رخنه‏ای بود که به اساس اعتماد هموطنان به مهتری و سروری انگلیس وارد ساخت.مقاومت مدید و دست تنهای‏ انگلیس در برابر هیتلر رخنه را مرمت کرد.ظاهرسازی و شاه‏اندازی‏1چرچیل هم،در هنگام جنگ،تاحدی سرپوشی بر ضعف و زبونی اگلیس نهاد.

مدتها طول میکشد تا افکار و عواطف با وقایع و حقایق منطبق گردد.زنی که از خانهء آتش‏ گرفته‏اش تازه به درجسته است،به اقرب احتمالات،به خانه بازمیگردد و کلاهی را که عزیز می‏دارد از آتش سالم به درمیبرد و در آن زمان هیچگاه در باب آسیبی که به خانه‏اش رسیده و دربارهء تباه شدن‏ آنچه را که به سالهای فراوان فراهم آورده نمی‏اندیشد.

بسیاری از مردمان انگلیس اکنون همان حال دارند که من در ایام تحصیل در مدرسه داشتم. دلیل میخواهید؟پیاده کردن سپاهی در بندر سعید یکی از دلائل است.

اکنون در سراسر کشور،مردمان کم‏کم شروع کرده‏اند که عواطف و احساسات را با حقایق‏ توافق دهند.شک و شبهه را از یک گوشهء خاطر زدوده‏اند که حال درین جهان امریکا و روسیه از حیث قدرت بر انگلیس برتری وافر دارند.اما بگوشهء دیگر خاطر این حقیقت را راه نداده‏اند و می‏پندارند که انگلیس میتواند مانند گذشته دنبالهء کار سابق را بگیرد.

هیچکس نمی‏تواند این حقیقت را منکر گردد که انگلیس از امریکا و روسیه فرسنگها پس‏افتاده‏ است.درین چند هفتهء اخیر نغمهء تازه‏ای هم به طنبور افزوده گشته و آن اینکه انگلیس نه‏تنها از حیث‏ مقام در دنیا رتبهء سوم یافته بلکه به صورت همزهء وصل درآمده است.به درد فرانسه مبتلا است. بریتانیا اکنون سخت مشوش است و دائم به فکر آتیه است.می‏اندیشد که چه مقدار از قدرت‏ گم‏گشته را در آینده میتواند بازگرداند.

افادادت انگلیس به عالمیان

انگلیس به جهانیان چه افاده‏ها کرده است؟چند روز پیش گودهارت،استاد بزرگوار امریکائی،در دانشگاه اکسفورد،چنین گفت«بزرگترین هدیهء انگلیس به جهانیان حکومت قانون‏ است.احدی از آحاد یا عضوی از اعضای شهربانی یا فردی از افراد حکومت نباید مافوق قانون‏ باشد.این فکر بکر تحفهء انگلیس است.

برحسب ترتیبات و نظامات انگلیسی،جباری‏2و فعال مایشائی و حق‏کشی در کشور انگلیس‏ محال است.در انگلیس هیچکس،بی‏صدور قرار قاضی،توقیف نمیشود.هیچ ستمی نیست که از جانب‏ حکومت روا گردد و محکمه در رفع آن نکوشد.در بریتانیا معنای آزادی افسار گسیختگی نیست. انگلیس از راه وضع قوانین عادلانه و اجرای بی‏تبعیض آن راهی یافته است که هم میل افراد را به آزادی‏ رعایت کرده و هم با مقررات مربوط به حفظ نظم و ترتیب در جامعه وفق داده است.

این آثار در امریکا،هندوستان،زلاند جدید،استرالیا،کانادا،بورمه،سبلان،خلاصه‏ هرجا که انگلیس قدم نهاده پدید است.هیچ کشوری بدین درجت نرسیده که افراد آن از آزادی‏ کامل برخوردار باشند و درعین حال خللی هم به امور انتظامی وارد نیاید.در کشورهایی چون روسیه، چین،و ممالک شرقی اروپا که افتخار فرمانروایی انگلیسها ر نداشته‏اند سنت غیر ازین است.

بی‏تردید این حس عدالت‏خواهی و نصفت‏جوبی به پیشرفت تمدن مدد رسانیده است.حاصل‏ این کار اینکه هیچ دستگاه اداری نباید فاسد باشد.هیچ کارمند اداری نباید پاره‏خواری کند. استنطاق و محاکمهء اقلیت،ولو آنکه مبغوض عوام باشند،باید کاملا از روی انصاف و بیغرضی صورت گیرد.

(1)-لاف زدن.

(2)- dictatorship

دوشادوش این خدمت،افادهء دیگری است که انگلیس به عالمیان کرده و آن شیوهء جدید حکومت مجلس‏دار است.حتی در سرزمینهایی که انگلیس فعال مایشاء بوده باز حکومت مجلس‏دار برقرار ساخته است.هیچ کشوری نیست که مدتی زیر فرمان انگلیسیها به سر برده باشد و از شیوهء انتخابات و حکومت اکثریت و اقلیت درسی فرانگرفته باشد.

منکر نمی‏توان شد که انگلیس در تصرف سرزمینی هر نیت و غرض داشته و خیر و صلاح مردمان‏ آن سرزمین را از نظر دور نداشته است.جوانان را چنان تربیت کرده که در ادارات وجودشان‏ بس مؤثر افتاده.به مردمان آموخته که چگونه از منابع خویش بهره برگیرند.

هنگامی‏که انگلیس با هندوستان وداع کردگذاره‏های متعدد و رشته‏های راه‏آهن فراوان‏ و حتی کارخانهء پولادسازی به یادگار برجای گذاشت.هندوستان از حیث اقتصاد و دستگاه آموزش‏ به مراتب بر چین،تایلند،افغانستان و بسیاری از کشورهای خاورمیانه رجحان داشت.خطای‏ محض است که ادعا کنیم انگلیس،صرف،به‏خاطر نوع‏دوستی کشورها را تصرف میکرده است. همچنان غلط است که خدمات انگلیس را به آن کشورها یکسره نادیده انگاریم.

خلاصه،اکنون که انگلیس مادة به فاقه مبتلی کشته و معنا به پستی گراییده‏1چه بایدش کرد. جواب اینست که به رسم مألوف باید آهستگی به خرج دهد و«چنانکه نیش کژدم و دم‏سگ را اگرچه بسیار بسته دارند چون گشوده شد به قرار اصل بازگردد»این دورهء نحس که سپری شد انگلیس هم به حال نخستین رجوع خواهد کرد.انگلیس،به کرات،فرازها و نشیب‏ها دیده است‏ اما هرگز از میدان به درنرفته و نامش«از میان نامها گم نگشته.»

انگلیس،امروز،خواه‏ناخواه،باید مقام خویش را در عالم بسنجد.این مصیبت آمدنی بود. چه بهتر که زود و با ضربتی شدید آمد.اگر چنین نمیشد انحطاط آهسته آهسته و دزدیده در شؤون مختلف‏ صورت میگرفت و حقیقت از دیده‏ها پنهان میماند تا به حدی که اصلاح و بهبود وضع محال میشد.

ما با حقایقی انکارناپذیر روبرو شده‏ایم و هیچ ملتی چون انگلیس استعداد تشخیص و سنجش‏ امور را،برحسب واقعیات،ندارد.اکنون انگلیس درمی‏یابد که ازین پس نمیتواند ریزه‏خوار اعمال پیشین خویش باشد و دائم از گذشته یاد کند.چاره،بیش از هر زمان دیگر،پر کوشیدن است‏ تا وضع اقتصادی خویش را سر و صورت دهد و آبروی برباد رفته را اندک‏اندک بازگرداند.

چنین می‏پندارم که به نسخه‏ای که داده‏ام انگلیس،نرم‏نرم،به مقامی که داشته است باز میگردد. موافقت او با رای سازمان ملل در فراخواندن سپاه خویش از مصر و برخواندن«العود احمد»، برخلاف روسیه که حتی به ناظران سازمان ملل حق ورود به بودا پست نداده،مقدمهء پیشرفت و نوید بازگشت به حیثیت سابق است.

(1)-نامهء خواننده‏ای به مدیر هفتگی‏نامهء آبزور،چاپ انگلیس،شمارهء 27 ژویه 1958 سرور گرامی مشاهده کرده‏ام که مدیر یکی از مؤسسات آردفروشی برای جلب مشتری‏ یک جفت دستبند (handcuffs) به فرزندان خردسال خریداران عطا میکند.تبه‏کاری در میان کودکان و جوانان رو به فزونی نهاده است.به حق یا ناحق این امر را بیشتر منوط به فیلمهای‏ ناباب میدانند.آقای مدیر دستبندها را«دستبند کارآگاهان»نام نهاده است.اما توجه بفرمایید که درین بازی در برابر هر کودکی که تشبه به کارآگاه میکند یک طفل هم باید به جانیان تشبه‏ کند و لابد ازین بازی لذت هم میبرد! ف.م.پیترز

ساکن شهر ساتن کلدفیلد[در انگلیس‏]